داکترسیدخلیل الله هاشمیان

۲۰۱۷/۰۳/۱۸

چشم روشنی بهار

امروزصبح 18مارچ درین پورتال چشمم بایک "بهاریه" روشن شد؛ این بهاریه که ازطبع سرشاراستاد سید مسعود فارانی (کُنری) تراویده و با تصاویر چندی از نشیب وفراز زندگی او رقم یافته، یک (ترکیب بند) است، که در نوع خود بینظیراست؛ هم ازلحاظ شکل وساختمان و هم از زاویهٔ عواطف بشری:

این منظومه پنج بند دارد:
بنداول آن "ایام سیاه گشته" دروطن را که: مسجدآن ویران، منبرعشاق آن جایگاه شعبده بازان، مردم آن "خونین دل" و خاک آن درتسلط "حیوان گراز" است، ترسیم کرده است.

بند دوم آن بیانگر درد بی درمانیست که یکتن ازفرزندان شاعر به آن مصاب شده، واین پدربیشتر ازآن فرزند درد ورنج میکشد، و هم درِ امید را بسته می بیند.

دربند سوم، شاعرما، سیرواموا‌ج زمان را "درآغوش کتاب" می سپارد؛ از "یاران دروغی" بیزاراست، واز زجر دوری وطن، خودرا"مهاجر نا آرام بخواب" میخواند- سه بیت این بند معانی اثرگذار برافکار، در بر دارد:

انگور تکامل شده، درخون شراب است
عشاق پی دیدن دلدار، کباب است
کی مرغ مهاجرشده، آرام بخواب است

شاعر دربند چهارم دروازه های امید رافراخ می بیند : پایان غلغله بین پیسه سازان وچوکی پرستان، جوان افغان را پویان کار و راه صواب، عشاق را بوصلت رسیده، یاران را در لباس صفا واخلاص، وفردای وطن را "پاک ز اشباح" : (قبول باد ! قبول باد !)
دربند پنجم همه اش بهار است، بهار گل افشان، بهاری که نسیم عشق وطن را می نوازد وازین نوازش "ابرکدورت" ناپدید وحُسن فرزانه "به هرمسند وهرجا" پدیدار میگردد.

هنوزکه سه روز به 21 مارچ (نوروز) مانده، ازخیرات این بهاریه شمیم بهار اولتر بمن رسیده، از آن ده کاپی گرفتم تا تحفه گویا بدوستان بفرستم، که تحفه ای بهترازین نیست .

ازخداوندعزوجل تمنا میکنم نوردیدهٔ فارانی صاحب راعافیت نصیب گرداند، که این قدرت دراومیسر است، همانطوریکه شاعر ما ازفرسخ ناامیدی ها به کهکشان امیدواری ملتجی شده است.

به هریک از هموطنان وبه هرکوه ودریا ودرخت افغانستان این خجسته بهار را از صمیم قلب تبریک میگویم – سیدخلیل الله هاشمیان.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ